

تأثیرات سیاست‌های احزاب و جریان‌های تندرو صهیونیستی بر هویت فلسطینیان

هادی ابراهیمی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱/۲۳

چکیده

احزاب راست‌گرای صهیونیستی باز یگرانی فعال هستند که در چند دهه گذشته توانسته‌اند بر تمام سیاست‌های داخلی و خارجی این رژیم تأثیر بگذارند؛ چرا که راست افراطی یک پدیده اجتماعی و فرهنگی تلقی شده و در همراه کردن طیف‌های مختلف عملکردهای موفق دارد که جز لاینفک جناح پیروز قومیت‌گرا می‌باشد و از ایدئولوژی و نمادهای دینی برای توجیه و اقناع و تحریک طرفداران خود به‌خوبی استفاده می‌کند و علی‌رغم وجود تعارضات و رقابت‌های داخلی، تقریباً به یک زبان سخن می‌گویند و تصور دشمنان ایدئولوژیکی یکسانی دارند و در تصویری که از آینده اسرائیل ارائه می‌دهند، اشتراک نظر دارند. این احزاب روی موضوعات ملت برگزیده، سرزمین موعود، خشونت‌گرایی در قبال فلسطینی‌ها و حتی غیریهودیان و گسترش شهرک‌سازی‌ها و عدم هرگونه مسامحه در قبال موضوع قدس و کرانه باختری، تأکید داشته و بنای هیکل سلیمان در مکان مسجدالاقصی را از علایم ظهور مسیح یهودی می‌دانند و معتقدند تسریع در اعلان دولت یهودی و اخراج فلسطینی‌ها از این مناطق امری لازم است. عدم تفکیک دین از سیاست و متوسل شدن احزاب راست‌گرا و مذهبی به نمادهای دینی و بی‌توجهی به دیگر جناح‌ها به‌ویژه سکولارها که اکثر رهبران صهیونیست از این جناح محسوب می‌شوند، در کنار بحران هویت، کشمکش‌های زیادی در بین جامعه اسرائیلی به‌وجود آورده است که روزبه‌روز تشدید می‌شود. ایده صلح در برابر زمین و تشکیل دو دولت یهودی و فلسطینی منسوخ شده است و پشت‌پرده مذاکره، حفظ حداکثر امنیت اسرائیل (شعار اعلامی احزاب راست) در استراتژی مشهور حاصل جمع جبری صفر نهفته است و این احزاب تلاش دارند به هر شکلی اراضی اشغالی ۱۹۶۷ (به‌جز غزه) را به اراضی ۱۹۴۸ الحاق کنند. لیکن علایم بسیاری نشان می‌دهد که این رویا محقق نخواهد شد و اسرائیل زیر بار فشار داخلی و خارجی متأثر از این سیاست‌ها با چالش‌های متعدد و مهمی مواجه است که تضعیف روزافزون و پایایی ساختار نظام سیاسی آن را موجب شده است؛ زیرا استمرار مقاومت مردمی در اشکال و ابعاد مختلف به‌ویژه انتفاضه قدس در داخل کرانه باختری نشان می‌دهد که بصیرت و آگاهی مردم نسبت به نقشه‌های صهیونیست‌ها بیش از تصور سران اسرائیل بوده و با اتکا به هویت اسلامی و ملی خود تا بازپسگیری آخرین وجب از سرزمین خود از پای نخواهند نشست.

واژگان کلیدی: صهیونیسم، فلسطین، راست‌گرایی، هویت.

ebrahimih56@yahoo.com

۱. استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه صدا و سیما.

جنبش صهیونیسم با پشتیبانی امپریالیسم جهانی توانست برای تحقق طرح استعماری خود و اشغال سرزمین فلسطین و از بین بردن مردم این سرزمین و اعلام رژیم نژادپرست صهیونیستی به عنوان دولت یهودی، هزاران یهودی را از اقصی نقاط جهان به این منطقه بکشاند و با نشان دادن آمیختگی ایدئولوژی صهیونیستی با دین یهود، خود را به عنوان تنها نماینده واقعی یهودیان جهان به دیگران بقبولاند. اشغالگری و خشونت و نژادپرستی سه مولفه اساسی صهیونیست‌ها در مقابله با مردم فلسطین بوده که با اشغال کرانه باختری رود اردن و نوار غزه و بلندی‌های جولان و صحرای سینا در سال ۱۹۶۷ وارد مرحله اساسی و تعیین‌کننده‌ای شد. گرچه مهمترین چالش اسرائیل از زمان تاسیس، مبارزان فلسطینی بودند؛ ولی اسرائیلی‌ها توانستند مهمترین همسایگان (مصر و اردن) را در روند صلح از میدان مبارزه خارج کند و اسطوره شکست‌ناپذیری ارتش خود را به رخ همه بکشد؛ اما در روند مبارزه با گروه‌های مقاومت نتوانست موفقیتی را به دست آورد و با پیدایش مقاومت اسلامی در لبنان در سال ۱۹۸۲ و ناکامی در تحمیل جنگ ۱۸ ساله به لبنان و عقب‌نشینی خفت‌بار در سال ۲۰۰۰، و تشکیل گروه‌های مقاومت اسلامی فلسطینی (جهاد اسلامی و حماس) نقاط ضعف و ناتوانی ارتش این رژیم به طوری آشکار شد که دیگر سخن از اسطوره شکست‌ناپذیری ارتش آن برای خود سران این رژیم نیز خنده‌دار بوده و همگی آنها اعتراف دارند که فلسطینی‌ها بزرگترین تهدید برای آینده این رژیم هستند و اگر روند جاری ادامه یابد آنها در مرز اضمحلال و فروپاشی قرار خواهند گرفت. لیکن احزاب تندرو اسرائیلی بدون توجه به این هشدارها با پیگیری سیاست‌های افراطی با یک سیاست فرار به جلو به دنبال تشکیل دولت یهودی در سرزمین فلسطین هستند.

محور این تحقیق را دو عنصر سیاست‌های احزاب تندور و افراطی‌گری حاکم بر ساختار و ماهیت اسرائیل (با اولویت تشکیل دولت یهودی و نادیده گرفتن حقوق مردم فلسطین) و تاثیرات روزافزون آن بر پایایی این رژیم و تضعیف آن با تقویت هویت و روحیه مقاومت در بین مردم فلسطین در اراضی اشغالی، تشکیل می‌دهد.

بررسی علل پیدایش و رشد احزاب و جریانات تندرو در اسرائیل

بررسی شرایط قدرت‌یابی احزاب راست‌گرا و پیدایش گروه‌های یهودی دینی افراطی مثل جنبش گوش ایمونیم، کاخ، انصار هیکل و... در «اسرائیل» بعد از سال ۱۹۶۷ بیانگر نکات ذیل است:

قدرت‌یابی احزاب راست‌گرا و پیدایش گروه‌های یهودی دینی افراطی که عقبه این احزاب محسوب می‌شوند، در اثر شکاف سیاسی یا ایدئولوژی به‌وجود نیاموردند؛ بلکه این احزاب و گروه‌ها مثل گروه مفدال تحت لوای صهیونیسم دینی قومی به‌وجود آمدند. رهبران این احزاب و گروه‌ها در مدارس دینی «بنی عکیفا» آموزش دیدند و تحصیلات عالی خود را در مدرسه «مرکاز هراف» به پایان رساندند. مدرسه مرکاز هراف، مدرسه‌ای است که رهبران جنبش گوش ایمونیم از آنجا فارغ‌التحصیل شدند. باوجود اینکه جنبش گوش ایمونیم به‌عنوان یک جنبش در سال ۱۹۶۷ از دل حزب مفدال به‌وجود آمد؛ اما دیری نپایید که این جنبش علیه رهبران حزب مفدال شورش کرد و آنها را متهم به کوتاهی در مورد سرزمین اسرائیل نمود.

جنبش‌های گوش ایمونیم، کاخ و آیل در نتیجه جنگ ۱۹۶۷ و جنگ ۱۹۷۳ به‌وجود آمدند؛ اما گروه انصار هیکل تحت‌تاثیر مذاکرات صلح با اسرائیل در سال ۱۹۷۷ به‌وجود آمد.

پیروزی اسرائیل در جنگ ۱۹۶۷ نه‌تنها برای توده‌های دینی یهودی، بلکه برای توده‌های سکولار یهودی نیز واقعه مهمی بود. طبق اعتقاد آنها این پیروزی تأکیدی بر مفاهیم دینی مربوط به آخر زمان و به‌معنای رهایی بود. اشغال فلسطین و اشغال جولان و صحرای سینا و یکپارچه کردن قدس و نزدیکی به دیوار ندبه و دیگر اماکن مقدس باعث تقویت اردوگاه دینی شد. این تحول خطرناک باعث شد که احزاب و گروه‌های یهودی وابسته به اردوگاه دینی وارد عمل شوند و به‌مرور قدرت پیدا نمایند.

شکست اسرائیل در جنگ ۱۹۷۳ باعث تضعیف حزب کار شد. این حزب از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۷ بر «اسرائیل» حکومت می‌کرد به‌دنبال تضعیف حزب کار، اردوگاه راست‌گراها به‌خصوص حزب مفدال قدرت گرفتند. گروه گوش ایمونیم از حزب مفدال به‌عنوان یک

مه‌ره فشار برای تشکیل ائتلاف حکومتی بزرگی که حزب لیکود را در برمی‌گرفت استفاده نمود و بر حفظ سرزمین اسراییل و عدم عقب‌نشینی از آن تاکید کرد. به این ترتیب حکومتی راست‌گرا و افراطی روی کار آمد که حاضر به عقب‌نشینی از یک وجب از خاک اسراییل به‌خصوص عقب‌نشینی از کرانه باختری نبود؛ زیرا حزب لیکود و در راس آن مناخیم بگین از ایده سرزمین اسراییل بزرگ و جنبش شهرک‌سازی حمایت می‌کرد.

حزب کاخ که در سال ۱۹۷۳، به‌دست خاخام ماییر کهانا تاسیس شد، امتداد انجمن دفاع از یهود بود. انجمن دفاع از یهود در سال ۱۹۶۸ توسط کهانا در آمریکا تاسیس شد. در سال ۱۹۷۱، کهانا به اسراییل مهاجرت کرد. حزب کاخ یک حزب راست‌گرای فوق‌العاده افراطی از نظر دینی و قومی دارای گرایش‌های فاشیستی بود. این حزب شعار اخراج فلسطینی‌ها از سراسر سرزمین اسراییل را سر داد، بدون اینکه بین عرب‌های سرزمین‌های اشغالی ۱۹۴۸ و عرب‌های مناطقی که در سال ۱۹۶۷ اشغال شده بود تفاوتی قایل شود. از جمله اقدامات نژادپرستانه و وحشیانه این جنبش می‌توان به ترور دکتر اسماعیل راجی فاروقی، استاد فلسطینی آمریکایی در دانشگاه فیلادلفیا و همسر وی در سال ۱۹۸۶، اشاره نمود. علاوه بر این دو تن از اعضای این حزب در سال ۲۰۰۱ در صدد انفجار مسجد ملک فهد در شهر کالفر در ایالت لس‌آنجلس بود؛ اما مقامات آمریکایی آنها را بازداشت کردند.

بعد از ورود خاخام کهانا به اسراییل در سال ۱۹۷۱، وی رهبری جنبشی به نام جنبش «دوف» را برعهده گرفت. هدف از این جنبش مقابله با خیانتکاران حزب چپ‌گرا اسراییل بود طولی نکشید که کهانا در سال ۱۹۷۳ این جنبش را به یک حزب سیاسی تحت عنوان «کاخ» تغییر داد. کاخ یک جنبش راست‌گرای افراطی و نژادپرست بود که خواستار اصول نژادپرستی و ضددموکراسی بود و از اقدامات تروریستی علیه عرب‌ها حمایت می‌کرد و بر اخراج عرب‌ها تاکید می‌کرد.

گروه افراطی «آیل» مخفف «ارگون یهودی لوحیم» به‌معنای سازمان یهودی جنگجو یکی از گروه‌های افراطی دینی یهودی در اسراییل بود که بسیاری از یهودیان میانه‌رو یا افراطی از طریق این گروهک به مقابله با حکومت اسحاق رابین می‌پرداختند. شاخه دیگر، حزب کاخ است. رهبر این حزب، افیشی رافیف بود. رافیف مزدور شاباک بود و

به تحریک علیه ترور اسحاق رابین، نخست‌وزیر اسرائیل متهم شد؛ اما از سوی دادگاه تبرئه شد. ایگال امیر قاتل رابین از اعضا این گروه بود.

ایده ساخت هیکل از سال ۱۹۷۷، با آغاز مذاکرات صلح با مصر مطرح شد و جنبش انصار هیکل از دیگر گروه‌های تندرو یهودی است که با هدف ساخت هیکل سلیمان به جای مسجد قبه‌الصخره و مسجدالاقصی تاسیس شد.

جنبش انصار هیکل، مانند دیگر گروه‌های افراطی یهودی، مثل جنبش گوش ایمونیم و کاخ دارای افکار نژادپرستانه و افراطی است و این گروه‌ها از سوی طایفه‌های مسیحی در آمریکا و در برخی از کشورهای اسلامی حمایت مالی می‌شدند. تمام این گروه‌های افراطی، خاخام اعظم و دولت را به کوتاهی در برابر هیکل متهم می‌کنند و بر ساخت هیکل تاکید می‌کنند و به دنبال یهودی‌سازی کامل قدس، تخریب مسجدالاقصی و حمایت از شهرک‌سازی هستند. اینها همان اهدافی است که مقامات اسرائیلی از طریق اقدامات یهودی‌سازی در قدس درصدد تحقق آن هستند و برخلاف قوانین بین‌المللی و قوانین حقوق بشر و مصوبات سازمان ملل به اقدامات نژادپرستانه خود ادامه می‌دهند.

مواضع احزاب و گروه‌های افراطی نسبت به سرزمین فلسطین

ایده سرزمین بزرگ اسرائیل ایده‌ای بود که موضع‌گیری احزاب و گروه‌های یهودی دینی افراطی نسبت به سرزمین فلسطین را شکل داد. این ایده زیربنای طرح‌های شهرک‌سازی در داخل خط سبز یا ماورای خط سبز محسوب می‌شود. احزاب راست‌گرا و گروه‌های دینی افراطی به ایده اسرائیل بزرگ ایمان دارند و در این زمینه با هم اتفاق نظر دارند. این ایده، محرک اساسی برای فعالیت‌های شهرک‌سازی و حمایت از شهرک‌سازی چه در دوره حکومت حزب کار و چه در دوره حکومت حزب لیکود محسوب می‌شد. خطر حقیقی مربوط به مسئله تمسک جستن به سرزمین بزرگ اسرائیل است که این امر هم مانع تحقق صلح می‌شود.

بررسی دیدگاه‌های سه جریان اصلی رژیم صهیونیستی در مورد سرزمین اسرائیل نشان می‌دهد که جریان چپ‌گرا، راست‌گرا و مذهبی همگی ایده سرزمین بزرگ اسرائیل

را مورد تایید قرار داده‌اند و برای تحقق این ایده و ایجاد شهرک‌های یهودی‌نشین تلاش کرده‌اند. این جریان‌ها نیز مانند گروه‌های افراطی دینی یهودی معتقدند که شهرک‌سازی امری واجب است.

طبق ایده سرزمین بزرگ اسرائیل، احزاب و گروه‌های یهودی دینی افراطی معتقدند که قرارداد کمپ دیوید و معاهده صلح با مصر و عقب‌نشینی از سینا و جنوب لبنان و غزه نوعی تسلیم شدن در برابر بیگانگان بود و این امر با طرح سیطره یهودیان بر سرزمین اسرائیل که از نهر مصر تا فرات کشیده شده، منافات دارد.

در مورد اصل «زمین در برابر صلح»، احزاب راست اسرائیل و گروه‌های یهودی دینی افراطی معتقدند که این امر خطری است که باعث از بین رفتن پیروزی‌هایی که در جنگ ۱۹۶۷ حاصل شده می‌شود. این احزاب راست‌گرا و گروه‌های یهودی دینی افراطی بر این باورند که تخلیه کرانه باختری و نوار غزه عقب‌نشینی از حق تاریخی اسرائیل محسوب می‌شود.

اسحاق شامیر، سیاست «زمین در مقابل صلح» را به سیاست قتل والدین تشبیه کرد. از سوی دیگر در جولای ۱۹۹۹ خاخام‌ها شابیرا، نریا، شلومو گورین، خاخام اعظم اشکنازی‌ها این فتوا را صادر کرد که بر سربازان اسرائیل حرام است که در تخلیه شهرک‌ها مشارکت کنند.

موضع‌گیری گروه‌های افراطی نسبت به فلسطینیان

احزاب و گروه‌های یهودی دینی افراطی معتقدند که دولت اسرائیل، دولت یهودی است. این گروه‌ها هیچ‌گونه حقی برای ملت فلسطین قایل نیستند. اخراج عرب‌ها از سرزمین اسرائیل را امری حقیقی برمی‌شمرند. خاخام کهانا، رهبر حزب کاخ و خاخام تسفی یهودا هیچ‌گونه حقی برای فلسطینیان قایل نبودند و بر اهمیت شهرک‌سازی و ساخت شهرک‌های یهودی‌نشین تاکید می‌کردند؛ زیرا آنها معتقدند که اگر اسرائیل با وجود مخالفت عرب‌ها و جامعه بین‌المللی به شهرک‌سازی ادامه بدهد می‌تواند عرب‌ها را از این سرزمین اخراج کند.

مظاهر تعصب احزاب و گروه‌های یهودی دینی افراطی علیه عرب‌ها با توصیف

عرب‌ها به امور منفی آغاز شد و با اجرای عملیات تروریستی علیه فلسطینیان ادامه یافت. با وجود اینکه احزاب و گروه‌های افراطی یهودی و رهبران آنها به ترویج خشونت و اقدامات تروریستی علیه فلسطینیان دعوت می‌کنند؛ اما این افراد مورد محاکمه قرار نمی‌گیرند و مورد عفو و بخشش مقامات اسرائیلی قرار می‌گیرند.

موضع‌گیری گروه‌های افراطی نسبت به سکولارها و دموکراسی

۱۷

همکاری مشترک احزاب و گروه‌های یهودی دینی افراطی با سکولارهای اسرائیلی امتداد ایده رهبران معنوی صهیونیسم است. قبل از تشکیل دولت اسرائیل، رهبران معنوی صهیونیسم معتقد بودند که برای تشکیل دولت یهود، بایستی با سکولارهای یهودی همکاری کرد. رهبران گروه‌های یهودی دینی افراطی نیز معتقدند که برای تحقق اهداف توسعه‌طلبانه شهرک‌سازی و ایجاد سرزمین بزرگ اسرائیل بایستی با اردوگاه سکولاریسم همکاری کرد؛ به‌عنوان مثال همکاری مشترکی بین متدینین افراطی و سکولارهای حزب هتחیا وجود داشت.

حزب هتחیا، حزبی شدیداً قومی و افراطی متشکل از نیروهای مذهبی و لاییک بود که از سال ۱۹۷۸ در کنارهم تلاش کردند پیمان وفادارن به سرزمین اسرائیل را به‌وجود بیاورند و با قرارداد کمپ دیوید مخالفت کردند. این حزب خواستار حاکمیت کامل اسرائیل بر کرانه باختری، غزه و حتی جنوب لبنان و اردن شد.

همان‌طور که اشاره شد اصول ایدئولوژی حزب هتחیا با ایده گروه‌های یهودی دینی افراطی و دیگر گروه‌های راست افراطی هماهنگی کامل دارد.

گروه‌های یهودی دینی افراطی معتقدند که دموکراسی، خطری است که موجودیت دولت اسرائیل به‌عنوان دولت یهودی را تهدید می‌کند. در حقیقت اصطلاح دولت یهودی به تمام یهودیان در جهان اجازه می‌دهد که در این سرزمین زندگی کنند و اقلیت عربی را از حقوق‌شان محروم می‌کند. این گروه‌ها معتقدند که اسرائیل بایستی علیه غیر یهودیان در اسرائیل، مواضع خصمانه‌ای اتخاذ کند و یهودیان و غیر یهودیان در دولت اسرائیل از حقی مساوی برخوردار نیستند.

بررسی مواضع احزاب و گروه‌های تندرو در خصوص شهر قدس و مسجداالقضی در نظر یهودیان صهیونیست

شهر قدس، اهمیت زیادی برای اسراییل دارد، به‌همین دلیل این رژیم از هر ابزاری برای یهودی‌سازی این شهر استفاده نموده است. بن‌گوریون در مورد اهمیت این شهر می‌گوید: «بایستی به هر قیمتی که شده یهودیان به قدس منتقل شوند. بایستی در طول یک مدت بسیار کوتاه، ده‌ها هزار نفر از یهودیان را در این شهر اسکان داد. یهودیان با اقامت در قدس شرقی ولو در کلبه موافقت خواهند کرد. نبایستی منتظر ماند که محله‌های قدس به‌صورت منظم ساخته شوند. مهم این است که یهودیان در قدس باشند».

جنبش صهیونیسم از همان روز اول به‌خصوص در دوره قیمومیت انگلیس و بعد از تشکیل اسراییل در فلسطین، سیاست توسعه‌طلبی، برنامه‌ریزی شهری، توسعه اجتماعی و جغرافیایی را در پیش گرفت. این سیاستها با هدف تحقق اهداف ژئوپولیتیکی در قدس، سلطه قوی و مطلق بر تمام اراضی بیت‌المقدس و حومه آن، کنترل اراضی کرانه باختری و بازسازی مجدد تاریخ قدس از طریق ایجاد افسانه قدیمی «اورشلیم» با هدف تبدیل قدس به پایتخت ابدی اسراییل صورت گرفت (جبارین، ۲۰۱۶: ۹).

سیاستهای توسعه‌طلبانه اسراییل به‌صورت مستقیم بر فلسطینیان و آینده سیاسی آنها در شهر قدس تاثیر گذاشت. علاوه بر این اهالی قدس از نظر مکانی، جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی نیز دچار تحولات و تغییرات گسترده‌ای شدند. اقدامات یهودی‌سازی رژیم صهیونیستی به‌منظور ممانعت از ایجاد یک پایتخت مستقل فلسطین در قدس شرقی یک نیاز ژئوپولیتیک بود. این وضعیت باعث شد که امروزه ایجاد پایتخت مستقل فلسطینی در قدس شرقی بسیار دشوار شود. به‌خصوص از نظر جمعیتی بین یهودیان و فلسطینیان در قدس شرقی تشابه تقریبی وجود دارد. اگر با دقت به معالیه ادومیم و شهرکهای یهودی در منطقه قدس از سمت شرق قدس نگاه کنیم، می‌بینیم که یهودیان، از نظر جمعیت و سیطره بر زمین اکثریت را تشکیل می‌دهند. امروزه قدس شرقی به‌صورت آشکار و مطلق به یک منطقه دو قومیتی تبدیل شده است. به این ترتیب رژیم اشغالگر در تغییر نقشه ژئوپولیتیک

در سطح استراتژیک در هر دو بخش قدس غربی و شرقی موفق شده است (جبارین، ۲۰۱۶: ۹).

از زمان تاسیس رژیم صهیونیستی تاکنون، این رژیم تلاش کرده تا با روش‌های گوناگون هویت اسلامی این شهر را به هویت یهودی تغییر دهد و به‌طور کلی یهودی‌سازی کند.

از جمله اقداماتی که در این راستا صورت گرفته است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- ایجاد شهرک‌های یهودی نشین در اطراف قدس شرقی؛
- ۲- اعمال کنترل شدید بر ورود فلسطینیان به شهر؛
- ۳- محدودیت در صدور مجوزهای ساخت‌وساز به فلسطینی‌ها؛
- ۴- تغییر نمادهای فرهنگی شهر؛
- ۵- لغو بیش از ۱۴ هزار کارت شناسایی مردم قدس از سال ۱۹۶۷ تا ۲۰۱۰؛
- ۶- تخریب منازل و مصادره زمین‌های فلسطینیان ساکن در قدس.

اهداف توسعه طلبانه اسرائیل در توسعه شهرک‌سازی‌ها در کرانه باختری و تاثیرات آن

کرانه باختری از سال ۱۹۶۷ تاکنون تحت اشغال اسرائیل قرار دارد. مقامات رژیم صهیونیستی از بدو اشغال این منطقه، از طریق اتخاذ تصمیمات و قوانین متعدد درصد وضع احکام و قوانین مستبدانه بر کرانه باختری و ایجاد تغییرات اداری و قانونی در آن، آماده کردن زمینه تسلط و استیلا بر مساحت وسیعی از اراضی این منطقه و ایجاد شهرک‌های یهودی‌نشین بر آن بودند (خلیفه، ۱۳۸۱: ۲۵۳).

کرانه باختری طبق پیمان اسلو ۲ در سال ۱۹۹۵ به سه قسمت A، B، C تقسیم شده بود. مدیریت اداری و امنیتی بخش A که ۱۸ درصد خاک کرانه باختری را تشکیل می‌دهد، برعهده فلسطین؛ مدیریت اداری قسمت B که مشمول ۲۱ درصد کرانه باختری است، برعهده فلسطین و مدیریت امنیتی آن نیز برعهده اسرائیل؛ همچنین اداره و امور امنیتی منطقه C، یعنی ۶۱ درصد کرانه باختری نیز برعهده

اسرائیل است. در این منطقه ۱۳۱ شهرک یهودی‌نشین، در قدس شرقی ۱۰ و در تپه‌های کرانه باختری ۱۱۶ شهرک یهودی‌نشین وجود دارد. در شهرک‌های کرانه باختری حدود ۵۰۰ هزار و در قدس شرقی ۲۲۰ هزار یهودی زندگی می‌کنند. قرار است شمار آنها در کرانه باختری طی مدت کوتاهی به یک میلیون نفر افزایش یابد (آناتولی، ۲۰۱۷/۱۲/۲۱).

رژیم صهیونیستی با هدف تثبیت سیطره خود بر کرانه باختری همچنان تلاش می‌کند که ساخت شهرک‌سازی در مناطق کرانه باختری را توسعه بخشد؛ زیرا سیاست شهرک‌سازی نقش مهمی در ترسیم مرزهای رژیم صهیونیستی داشته است.

بن‌بست مذاکرات سازش با فلسطینی‌ها و عدم وجود آینده‌ای برای تشکیل دولت فلسطینی

با وجود روند صلح درازمدت و آشتی عمومی اسرائیل با مصر و اردن، فلسطینیان و اسرائیلیان نتوانستند به یک موافقتنامه پایانی صلح دست یابند. مسایل کلیدی باقی مانده عبارتند از: شناسایی متقابل، مرزها، امنیت، حقوق آب، کنترل بیت‌المقدس، شهرک‌های اسرائیلی، آزادی آمدوشد فلسطینیان، و حل‌وفصل دعوی فلسطینیان، مبنی بر حق بازگشت آوارگان‌شان. خشونت ناشی از این منازعه در منطقه‌ای غنی از آثار تاریخی، فرهنگی و مذهبی موردعلاقه بین‌المللی، مورداعتراض کنفرانس‌های متعدد بین‌المللی راجع به حقوق تاریخی، مسایل امنیتی و حقوق بشر واقع شده است، و عاملی جهت ممانعت از گردشگری و به‌طور کلی، دسترسی به مناطقی شده است که به‌شدت بر سر آن مشاجره جریان دارد.

تلاش‌های فراوانی برای میانجی‌گری جهت راه‌حل دو دولت انجام شده است از جمله ایجاد یک دولت مستقل فلسطینی در همسایگی دولت اسرائیل، پس از تاسیس این دولت در سال ۱۹۴۸. در سال ۲۰۰۷، اکثریت فلسطینیان و اسرائیلیان، مطابق شماری از نظرسنجی‌ها، راه‌حل دو دولت را بر هر راه‌حل دیگری به‌عنوان وسیله‌ای برای حل منازعه، ترجیح دادند. به‌علاوه، اکثریتی از یهودیان، تقاضای فلسطینیان را برای تاسیس یک دولت مستقل منصفانه می‌دانند، و فکر می‌کنند اسرائیل می‌تواند با تاسیس چنان

دولتی موافقت کند. اکثریت فلسطینیان و اسرائیلیان، در کرانه باختری و باریکه غزه نیز، ترجیح‌شان را بر یک راه‌حل دو دولتی ابراز کرده‌اند. عدم اعتماد متقابل و عدم موافقت‌های چشمگیر، درباره مسایل اساسی میان طرفین، عمیق‌اند بدین ترتیب که تردیدی دوجانبه درباره تعهد طرف مقابل، برای ایفای تعهدات خود در یک موافقتنامه احتمالی وجود دارد.

منزعه، در هریک از جوامع فلسطینیان و اسرائیلیان، گستره وسیعی از دیدگاه‌ها را پدید آورده و اختلافات عمیقی در هر دو جامعه به‌دنبال داشته است. مشخصه این منازعه، سطح خشونت موجود در آن است که شاهدهی بر وجود آن در تمام دورانی است که از آغاز آن می‌گذرد. جنگ میان طرفین، توسط ارتش‌های متعارف، گروه‌های شبه‌نظامی، جوخه‌های ترور و افراد اداره شده است و تلفات ناشی از آن به نظامیان محدود نمانده است؛ بلکه شمار زیادی از تلفات در غیرنظامیان دو طرف نیز پدید آورده است. همچنین شخصیت‌های بین‌المللی برجسته نیز در این منازعه درگیرند.

احزاب چپ رژیم صهیونیستی از جمله حزب کارگر از طرفداران فرایند صلح اسرائیل و فلسطین، رویکردهای پراگماتیسمی در سیاست خارجی و سیاست‌های اقتصادی سوسیال دموکراتیک است. (Israeli_Labor_Party، ویکی‌پدیا، ۲۰۱۷/۱۱/۱۹). این احزاب از راه‌حل دو دولتی حمایت کرده‌اند و بر آمادگی خود برای مذاکره با شخصیت‌ها و تشکیلاتی از فلسطینیان که اسرائیل را به رسمیت می‌شناسند، تاکید کرده‌اند اما همین احزاب چپ بر باقی ماندن شهر بیت‌المقدس به‌طور کامل تحت سیطره اسرائیل و باقی ماندن بعضی از مناطق حیاتی در دست اسرائیل، مانند حومه شهر بیت‌المقدس و گوش عتصیون که اکثریت جمعیت آن غیرعربی هستند نیز تاکید می‌کنند (ماضی، ۱۳۸۱: ۷۷، کیوان، ۱۳۹۳: ۲۰۶).

همان‌طور که گفته شد احزاب راست‌گرا و مذهبی هیچ حقی برای فلسطینی‌ها قایل نیستند و تمامی احزاب هرگاه که از همجواری یهود و عرب در سرزمین‌های اشغالی سخن می‌گویند با انگیزه‌های صلح‌طلبانه و انسانی بیگانه بوده و تنها خواسته‌های امنیتی صرف را مطرح می‌سازد زیرا مبنای استراتژی اسرائیل بر محور امنیت اسرائیل و

مرزهای امن قرار دارد. در عین حال مفهوم حقیقی امنیت اسرائیل به نیاز اسرائیل برای بقا مربوط نبوده و به سیاست تجاوزکارانه و توسعه‌طلبانه او بستگی دارد. ویژگی بارز استراتژی اسرائیل مشخص بودن هدف آن است. اسرائیل سعی دارد با ممانعت از ایجاد رژیم فلسطینی در قلب وطن عربی از طریق وسایل غیرقانونی به تحقق اهداف استراتژیک خود بپردازد (صفتاج، دانشنامه صهیونیسم و اسرائیل، جلد چهارم، ماده صلح اسرائیل).

با مجموعه شواهد و قراینی که در طول نزدیک به هفت دهه از الگوهای رفتاری رژیم اشغال‌گر قدس در سرزمین‌های اشغالی به نمایش گذاشته شده است، این ایده و فرضیه تقویت می‌شود که تحقق طرح ایده صلح بیشتر شبیه به رویا باشد تا واقعیت؛ زیرا رژیم صهیونیستی پایبند هیچ‌یک از قوانین بین‌المللی نبوده است و در تمامی فرایندها به اصطلاح صلح با فلسطینیان حقوق آنها را نادیده گرفته و خواهد گرفت.

دیدگاه‌های مقامات اسرائیلی در خصوص ابرچالش‌های پیش رو این رژیم

در حالی که احزاب راست‌گرا و مذهبی و گروه‌های افراطی با تاکید بر آرمان‌گرایی تاریخی یهودیان در تشکیل دولت در فلسطین، بر طبل زیاده‌خواهی‌ها خود می‌کوبند و حاضر به کوتاه آمدن از هیچ‌کدام از آنها نیستند، اما بسیاری از مقامات و شخصیت‌ها و متفکرین یهودی و صهیونیست به واقعیت‌های دیگری اشاره دارند که به برخی از آنها در این بخش اشاره می‌شود.

ابراهام بورگ رییس سابق آژانس یهود و رییس کنیست در سال‌های (۲۰۰۳-۱۹۹۹) می‌گوید: «مبارزه ما برای بقا قوم یهود با شهرک‌نشینان قانون‌شکن و فاقد اصول اخلاقی که گوش شنوایی برای شهروندان خود و دشمنان خویش ندارند. اسرائیل که توجهی به کودکان فلسطینی ندارد، نباید متعجب شود که آنها سرشار از نفرت، خود را در مراکز تفریحی اسرائیل خود را منفجر کنند. آنها در مراکز تفریحی ما زندگی خود را نثار می‌کنند چون دیگر زندگی آنها جز شکنجه نیست. اسرائیلی‌ها از فرزندان خود می‌پرسند که انتظار دارند ۲۵ سال بعد در چه جایی زندگی کنند؟ فرزندان آنها در مقابل شگفتی والدینشان صادقانه اعتراف می‌کنند که نمی‌دانند. این هر روز شمار بیشتری از اسرائیلی‌ها را به درک شرایط موجود رهنمون می‌سازد که شمارش معکوس

برای مرگ جامعه اسرائیل شروع شده است... به خاطر داشته باشید که تنها دیوانگان به هنگام فروریختن ستون‌ها در طبقه بالا خود را به رقص و پایکوبی سرگرم می‌دارند.» مانولا دافری نویسنده اسرائیلی، علاوه بر اعتراف به ناامنی یهودیان در اسرائیل و زوال و شکست این رژیم تصریح می‌کند: «اسرائیل آینده خود را به خطر انداخته است و مانند فردی دیوانه رفتار می‌کند و تحجر، ناتوانی و نومییدی بر همه چیز سایه افکنده است. تندبادهای می‌وزند و ما را از جا بر می‌کنند، ما بیهوده در جا می‌زنیم و هیچ‌گونه دخل و تصرفی در سرنوشت خود نداریم. همه معتقدند که نمی‌توان کاری کرد، شکست خوردیم و این عاقبت ماست.»

پرفسور «مارتن وان کریفلید مورخ و استراتژیست و نظریه‌پرداز نظامی معروف اسرائیلی ضمن اعتراف به شکست و اینکه فلسطینی‌ها روزبه‌روز قوی‌تر می‌شوند، می‌گوید: ما قدرت زیادی داریم اما نمی‌توانیم آن را بکار بگیریم، حتی اگر زمینه استفاده از آن هم فراهم شود، باز هم کارایی آن مشکوک است. آمریکایی‌ها شش میلیون تن بمب روی ویتنام ریختند، فکر نمی‌کنم کمک چندانی به آنها کرده باشد. ما در لبنان هم این قدرت را در اختیار داشتیم؛ ولی از آن جا گریختیم. شما به خوبی می‌بینید که چگونه ما طی این سال‌ها به ذلت افتادیم و شکست پی‌درپی گریبان ما را گرفت به نحوی که دیگر مردم حاضر به انجام خدمت نظامی نیستند و سربازان در کنار مرزها به گریه افتاده‌اند. اگر شرایط به همین شکل پیش برود ما به مرحله‌ای خواهیم رسید که دولت اسرائیل فرو خواهد پاشید. ظاهراً ما در همین مسیر قدم بر می‌داریم و شاخص‌هایی هم وجود دارد که آن را تایید می‌کند.

رووی ریولین رییس‌جمهور فعلی اسرائیل و از رهبران حزب تندرو لیکود ضمن تایید ناامیدی صهیونیست‌ها از آینده این رژیم، تصریح می‌کند که صهیونیست‌ها در تلاشند به منظور فرار از دولت عبری، پاسپورت اروپای تهیه کنند و اگر احساس عمیقی در زمینه زوال اسرائیل نداشتند، هرگز دست به چنین کاری نمی‌زدند.

شیمون پرز رییس‌جمهور سابق اسرائیل و از سران صهیونیست ضمن ابراز نگرانی از تشدید اختلافات داخلی، می‌گوید: با ادامه این شکاف‌ها و درگیری‌ها، جامعه اسرائیل نیز مانند اتحاد جماهیر شوروی، چک اسلواکی و یوگسلاوی فرو خواهد پاشید. دیگر

نمی‌توانیم در اسرائیل بمانیم، اسریل با رویای خود برای ایجاد اسرائیل بزرگ وداع گفته است.

نتیجه‌گیری

احزاب راست‌گرا که جناح تندرو و افراطی را در صحنه سیاسی اسرائیل تشکیل می‌دهند، بازیگرانی فعال محسوب شده که در چند دهه گذشته توانسته‌اند بر تمام سیاست‌های داخلی و خارجی این رژیم تاثیر گذاشته و علی‌رغم چالش‌های گوناگون، سیاست‌های خود را پیش ببرند؛ زیرا که راست افراطی یک پدیده اجتماعی و فرهنگی تلقی شده و در همراه کردن مردم یهودی طیف‌های مختلف تا حدود زیادی موفق عمل کرده‌اند و جز لاینفک جناح پیروز قومیت‌گرا است و از ایدئولوژی، نمادی دینی و برای توجیه و اقناع و تحریک طرفداران خود به‌خوبی استفاده می‌کنند و علی‌رغم وجود تعارضات و رقابت‌های داخلی تقریباً به یک زبان سخن می‌گویند و تصور دشمنان ایدئولوژیکی یکسانی دارند و در تصویری که از آینده اسرائیل ارایه می‌دهند اشتراک نظر دارند.

احزاب راست‌گرا و مذهبی و گروه‌های افراطی همان‌طور که گفته شد روی موضوعات ملت برگزیده (که منشا نژادپرستی آنهاست) سرزمین موعود - خشونت‌گرایی در قبال فلسطینی‌ها و حتی غیریهودیان و گسترش شهرک‌سازی‌ها در کرانه باختری و عدم هرگونه مسامحه در قبال موضوع قدس و کرانه باختری تاکید داشته و بنای هیکل سلیمان در مکان مسجدالاقصی را از علایم ظهور مسیح یهودی می‌دانند و معتقدند تسریع اعلان دولت یهودی و اخراج فلسطینی‌ها از این مناطق را امری لازم می‌دانند و فقط بنا بر ملاحظات تاکتیکی صبر و حوصله به خرج داده و منتظر لحظه موعود هستند. اعلام تصمیم آمریکا در به رسمیت شناختن قدس به‌عنوان پایتخت اسرائیل و انتقال سفارت خود به آن برای تسریع در این روند ارزیابی می‌شود.

عدم تفکیک دین از سیاست و متوسل شدن احزاب راست‌گرا و مذهبی به نمادهای دینی و بی‌توجهی به دیگر جناح‌ها به‌ویژه سکولارها که اکثر رهبران صهیونیست از این جناح محسوب می‌شوند، در کنار بحران هویت و ماهیت دولت کشمکش‌های زیادی در بین جامعه اسرائیلی به‌وجود آورده است که روزبه‌روز تشدید می‌شود که نمونه آن

گسترش سریع نقش خریدیم‌ها می‌باشد.

ایده‌های صلح در برابر زمین و تشکیل دو دولت یهودی و فلسطینی کاملاً منسوخ شده است و در پشت‌پرده حفظ حداکثر امنیت اسرائیل که شعار اعلامی احزاب راست‌گرا است استراتژی مشهور حاصل جمع جبری صفر نهفته است و این احزاب تلاش دارند به هر قیمت شده اراضی اشغالی ۱۹۶۷ (به استثناء غزه) را به اراضی ۱۹۴۸، الحاق کرده و فلسطینی‌ها را از بازپس‌گیری آن ناامید و با توسعه شهرک‌سازی‌ها در زمین‌های سوخته قبل از ۱۹۴۸ را تکرار کرده و مهاجرت فلسطینی‌ها باقی مانده را در فرصت مناسبی کلید بزنند.

علایم بسیاری نشان می‌دهد که این رویایی احزاب راست‌گرا و مذهبی محقق نخواهد شد و اسرائیل زیر بار فشار داخلی و خارجی متاثر از این سیاست‌ها با چالش‌های متعدد و مهمی مواجه است که تضعیف روزافزون پایایی ساختار نظام سیاسی آن را موجب شده است و به‌قولی با یک بن‌بست استراتژیک مواجه می‌باشد.

استمرار مقاومت مردمی در اشکال و ابعاد مختلف به‌ویژه انتفاضه قدس فلسطینی‌ها داخل کرانه باختری و نقشی که جوانان در آن دارند نشان می‌دهد که بصیرت و آگاهی مردم نسبت به نقشه‌های صهیونیست‌ها بیش از تصور سران صهیونیست بوده و با اتکا به هویت اسلامی و ملی خود تا پای بازپس‌گیری آخرین وجب از سرزمین خود از پای نخواهند نشست و زمان شکست در مقابل یهودیان صهیونیست سپری شده و زمان پیروزی مردم فلسطین در آینده‌ای نه چندان دور را نوید می‌دهد.

تنها راه‌حل واقعی حل مشکل فلسطین راهکاری است که توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ارائه شده که بر اساس آنها باید به ساکنان واقعی فلسطین (مسلمان، یهودی و مسیحی) اجازه داد که سرنوشت خود را با تعیین نظام سیاسی دمکراتیک مبتنی بر خواسته خود رقم بزنند و یهودیانی که از دیگر کشورهای جهان به فلسطین آمده‌اند به کشورهای خود بازگردند و گرنه باید شاهد کشتار و قتل روزانه مردم فلسطین تا لحظه فروپاشی این رژیم باشیم.

فهرست منابع:

۱. گودرزی، طاهره. (۱۳۹۴)، «فلسطینی‌ها و احزاب دینی صهیونیستی (با تاکید بر کابینه سی و چهارم)»، فصلنامه مطالعات فلسطین، شماره ۲۸.
۲. توسلی رکن‌آبادی، محمد، رضایی، نیما. (۱۳۸۹)، «تاثیر ساختار حزبی بر سیاست خارجی اسرائیل در قبال جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳.
۳. ماضی، محمد. (۱۳۸۱)، سیاست و دیانت در اسرائیل، ترجمه غلامرضا تهامی، تهران، اندیشه سازان نور.
۴. خلیفه، احمد. (۱۳۸۲)، نظام حزبی و احزاب سیاسی در اسرائیل، ترجمه حسین موسوی، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۵. صفاتاج، مجید. (۱۳۸۶)، دانشنامه فلسطین، ج ۱، نشر فرهنگ اسلامی.
۶. جنتی، علی. (۱۳۸۴)، ساختار دولت صهیونیستی اسرائیل، جلد اول، موسسه الدراسات الفلستینیه.
۷. محمد جمال الدین العلوی، الاحزاب و اثرها فی رسم السیاسة الاسرایلیة، مرکز الدراسات الخلیجیة.
۸. حسنی‌فر، عبدالرحمان، طاهر خانی، زهرا. (۱۳۹۴)، «بررسی دیدگاه‌های بنیادگرایی یهودی و احزاب اسرائیل در موضوع دولت مستقل فلسطینی»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال پنجم، شماره نوزدهم.
۹. احسان مرتضی. (۲۰۰۴)، الخریطة الحزبیة والسیاسیة فی أسراییل: دینامیة الانقسامات والتحولات، مجله الدفاع الوطنی، لبنان، شماره ۴۹.
۱۰. طه، حسن علی. (۱۳۹۶)، نژادپرستی صهیونیستی یهودی و جنبه ایدئولوژی دینی، ترجمه فاطمه کاظمی و د. مرتضی زارع، نشر آفرینه.
۱۱. کیوان، مامون. (۱۳۹۴)، یهود در خاورمیانه، ترجمه فاطمه کاظمی، نشر گروه مطالعات اندیشه ورزان، تهران.
۱۲. اسامی سازمان‌های ۱۲ گانه صهیونیستی مترصد تخریب مسجداقصی، خبرگزاری بین‌المللی قدس، کد مطلب ۱۵۳۱۶۷، ۱۳۸۸/۹/۹، قابل دسترسی در:
<http://qodsna.com/fa>.
۱۳. مقام صهیونیست: کشورهای عربی با تشکیل کشور فلسطین در مکانی دیگر موافقت می‌کنند، خبرگزاری خبر آنلاین، ۲۱ آبان ۱۳۹۶، کد مطلب ۵۲۳۱۰، قابل دسترسی در:
<http://www.khabaronline.ir/detail/726757/World/middle-east>.
۱۴. کشورهای عربی علیه ایران و حزب الله با اسرائیل همکاری می‌کنند، افکار نیوز، کد مطلب ۵۹۷۳۹۶، ۱۳۹۵/۱۲/۳، قابل دسترسی در:
<http://www.afkarnews.ir/%>.
۱۵. وزیر صهیونیست: رویای تشکیل کشور فلسطین هرگز عملی نخواهد شد، تسنیم، شناسه خبر: ۱۵۰۶۱۸۱، ۱۳۹۶/۶/۸، قابل دسترسی در:
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/06/08>.
۱۶. نتانیاهو باید برای قصور در وعده‌هایش درباره ایران کنار برود، خبرگزاری مهر، ۱۳۹۶، کد مطلب ۴۱۵۴۷۱۴، ۱۳۹۶/۹/۴، قابل دسترسی در:
<https://www.mehrnews.com/news/4154714>.
۱۷. تزیپی لیونی، برای مواجهه با حزب الله و ایران باید با عربستان همکاری کنیم، باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۵، ۵۷۴۱۵۹۰، ۱۳۹۵/۵/۲۷، قابل دسترسی در:
<http://www.yjc.ir/fa/news>.
۱۸. مواضع احزاب و کابینه رژیم صهیونیستی نسبت به راه حل تشکیل دو دولت، تسنیم، شناسه خبر

- ۱۱۰۷۷۰۷، ۱۳۹۵/۳/۲۹، قابل دسترسی در:
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/03/29>.
۱۹. دیدگاه‌های نامزدهای انتخابات پارلمانی رژیم صهیونیستی درباره برنامه هسته‌ای ایران، تسنیم، شناسه خبر: ۶۸۸۷۹۵، ۱۳۹۳/۱۲/۲۶، قابل دسترسی در:
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/12/26>.
- <https://en.wikipedia.org/wiki/Likud>.
۲۰. جعفری، امیر، احزاب سیاسی در رژیم صهیونیستی، جایگاه‌ها و رویکردها، پژوهشکده مطالعات راهبردی فلسطین، تاریخ آخرین دسترسی: ۹۶/۸/۲۷، قابل دسترسی در:
<http://www.rissp.org/?q=node/1405>.
۲۱. ایران در نگاه احزاب سیاسی اسرائیل، مشرق نیوز، ۱۳۹۱/۱۱/۱، کد مطلب ۱۸۷۳۲۶، قابل دسترسی در:
<https://www.mashreghnews.ir/news>.
۲۲. Israeli_Labor_Party، ویکی‌پدیا، ۲۰۱۷/۱۱/۱۹، قابل دسترسی در:
https://en.wikipedia.org/wiki/Israeli_Labor_Party.
۲۳. اسحاق هرتزوغ در ایپک: ایران تهدیدی راهبردی برای اسرائیل است، خبرگزاری صدا و سیما، کد مطلب، ۱۵۷۰۲۹۵، ۱۳۹۶/۱/۸، قابل دسترسی در:
<http://www.iribnews.ir/fa/news>.
۲۴. Yisrael_Beiteinu، ویکی‌پدیا، ۲۰۱۷/۱۱/۲۳، قابل دسترسی در:
https://en.wikipedia.org/wiki/Yisrael_Beiteinu.
۲۵. یایبر لبید، «التصحیح ینبغی أن یبدأ»، موقع صحیفه معاریف، ۲۰۱۵/۷/۱۷، علی الرابط، قابل دسترسی در:
<http://www.maariv.co.il/journalists/journalists/Article>. ۴۸۹۲۶۰-
۲۶. دیدگاه‌های نامزدهای انتخابات پارلمانی رژیم صهیونیستی درباره برنامه هسته‌ای ایران، تسنیم، ۱۳۹۳/۱۲/۲۶، قابل دسترسی در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/12/26/>.
۲۷. ادامه شهرک‌سازی اسرائیل تحت حمایت کمیته چهارجانبه بین‌المللی، مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین، ۹ جولای ۲۰۱۶، قابل دسترسی در:
<https://farsi.palinfo.com/news>.
۲۸. نفتالی بنت: اسرائیل باید ایران را از سویفت حذف کند، باشگاه خبرنگاران جهان، کد مطلب، ۶۲۵۶۲۴۱، ۱۳۹۶/۷/۳، قابل دسترسی در:
<http://www.yjc.ir/fa/news>.
۲۹. گروه‌های تندرو صهیونیست در آرزوی تخریب مسجدالاقصی، اندیشکده مطالعات یهود، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۶/۹/۹، قابل دسترسی در:
<http://jscenter.ir/slave-jews/israel>.
۳۰. Hatnuah، ویکی‌پدیا، ۲۰۱۷/۱۱/۱۹، قابل دسترسی در:
<https://en.wikipedia.org/wiki/Hatnuah>.
۳۱. Meretz / ۲۰۱۷/۱۱/۱۹، قابل دسترسی در:
<https://en.wikipedia.org/wiki/Meretz>.
۳۲. The Jewish Home، ویکی‌پدیا، ۲۰۱۷/۱۱/۲۵، قابل دسترسی در:
<https://fa.wikipedia.org/wiki>.
۳۳. وازن، محمد، تعرفوا علی مواقف ابرز الاحزاب الاسرائیلیة من القضية الفلسطينية، ۲۶، ۳، ۲، ۱۶، قابل

دسترسی در:

<https://raseef.com/politics>.

۳۴. یهونتنان لیس، «نتانياهو خطاب به هر تزوگ: بهتر است با هم متحد شویم»، هآرتص، ۲۰۱۵/۷/۱۵،
علی الرابط، قابل دسترسی در:

[http://www.haaretz.co.il/news/politi-](http://www.haaretz.co.il/news/politi-ti/1.2684514)
[ti/1.2684514](http://www.haaretz.co.il/news/politi-ti/1.2684514)

۳۵. براک رفید، «نتانياهو: اسراییل پایبند توافق هسته‌ای نیست»، هآرتص، ۲۰۱۵/۷/۱۴، قابل
دسترسی در:

<http://www.haaretz.co.il/news/politics>.